

اعتبار سنجی روایات فریقین درباره ماهیت «البیت المعمور» و «بیت‌العزه» و نزول دفعی قرآن در شب قدر بر آنها

زینب براتی¹ | سهیلا پیروزفر²

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی اعتبار و ماهیت مفاهیم «البیت المعمور» و «بیت‌العزه» در منابع فریقین و کیفیت نزول دفعی قرآن در شب قدر بر این مکان‌ها می‌پردازد. ترکیب «بیت‌المعمور» در قرآن کریم ذکر شده و روایات متعددی درباره ماهیت و مکان آن، به ویژه به عنوان قبله گاه و محل عبادت ملائک در آسمانها وجود دارد، اگرچه در تعیین جایگاه دقیق آسمانی آن اختلاف نظر است. اما تعبیر «بیت‌العزه» در قرآن نیامده و تنها در برخی روایات به طور مبهم به آن اشاره شده است که غالباً هم معنی با «البیت المعمور» است. روایات نزول دفعی قرآن بر «البیت المعمور» در شب قدر، اگرچه دارای برخی اشکالات سندی هستند، اما بازتابی در منابع معتبر شیعی و اهل سنت دارند و عمدتاً به نزول بر قبله گاه آسمانی و یا قلب پیامبر (ص) تأویل شده‌اند. بررسی‌های انتقادی نشان می‌دهد که مفهومی مادی و زمینی برای «البیت المعمور» همچون کعبه به عنوان مکان نزول دفعی قرآن پذیرفتنی نیست و بهترین تعبیر نزول دفعی قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر (ص) (نمود طبیعی بیت‌المعمور) است که در اتصال معنوی با بیت‌المعمور آسمانی و عرش قرار دارد. این بازخوانی با ارزیابی خاستگاه، سند و معنی روایات، تطبیق با آیات قرآن و مبانی عقلی و دینی، دیدگاهی منسجم‌تر را درباره ماهیت این مفاهیم ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سوره قدر، البیت‌المعمور، بیت‌العزه، روایات، فریقین

¹ - دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: zeynab.barati@gmail.com

² - نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: spirozfar@um.ac.ir

مقدمه

مسئله کیفیت نزول قرآن در شب قدر بر پیامبر اسلام (ص) از جمله مباحث مهم علوم قرآنی است که از دیرباز مورد توجه قرآن پژوهان بوده است. طبق برخی گزارش‌ها پرسش از آن، در زمان حضور صحابه از سوی افرادی همچون عطیه بن اسود (م حدود ۸۵ق)^۱ شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۷) مطرح بوده است. در روایتی نقل شده که وی از ابن عباس پرسیدند: «شکی در دلم افتاده خداوند می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره: ۱۸۵) و یا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) در حالی که نزول در ماههای شوال و ذی القعدة و ماههای دیگر نیز ادامه داشته است. ابن عباس در جواب می‌گوید: تمام قرآن در شب قدر به یک باره نازل شد و سپس بر حسب زمان‌های پرکننده در ماه‌ها و روزهای پی‌درپی نازل شد.» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۵)

این پاسخ آغازگر بحث‌های مفصل و دیدگاه‌های متفاوت درباره کیفیت و جایگاه نزول دفعی قرآن در شب قدر شد. با اینکه برخی از آیات قرآن از جمله: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء: ۱۰۶) «و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم.» (ترجمه رضایی) و نیز آیات ۸۲ اسراء و ۳۲ فرقان و تاریخ قطعی اسلام گواهی بر نزول تدریجی قرآن، متناسب با حوادث و اتفاقات، در طول دعوت پیامبر اکرم (ص) است. اما بسیاری از مفسران فریقین آیات «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره: ۱۸۵) و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان: ۳) و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) را ناظر بر نزول دفعی قرآن در شب قدر دانسته‌اند. دیدگاه این مفسران درباره جایگاه نزول دفعی قرآن در شب قدر متفاوت است. نزول دفعی از لوح محفوظ بر آسمان دنیا، بر فرشتگان کاتب، بر جبرئیل، بر قلب پیامبر (ص)، بر بیت المعمور یا بیت‌العزه از جمله این دیدگاه‌ها است که ریشه در روایات دارد.

دیدگاه اخیر (نزول دفعی بر بیت‌المعمور یا بیت‌العزه) از دیدگاه‌های مشهور مفسران شیعه و اهل سنت در کیفیت و جایگاه نزول قرآن در شب قدر است. آگاهی از ماهیت این دو مکان و اعتبارسنجی روایات مربوطه (از طریق ارزیابی سند، متن و خاستگاه) ما را در روشن شدن عمیق تر موضوع و در نتیجه پذیرش و یا رد این دیدگاه یاری خواهد کرد. لذا این مهم از رسالت‌های این پژوهش است. **پیشینه بحث:** در منابع فریقین روایات فراوانی درباره ماهیت بیت المعمور وجود دارد که اکثر مفسران با استناد به یک یا چند روایت به بیان ماهیت آن در ذیل آیه چهارم سوره طور پرداخته‌اند.

مفسران همچنین ذیل آیه ۱۸۵ بقره یا ۳ دخان و یا آیه اول سوره قدر، دیدگاه نزول قرآن بر بیت‌المعمور (منابع شیعه) یا بیت‌العزه (منابع اهل سنت) را اغلب بدون نقد و بررسی روایات مربوطه مطرح کرده و برخی از آن دفاع و برخی آن را ردّ نموده‌اند. نویسندگان کتب مربوط به علوم قرآن و تاریخ قرآن که بعضاً به بیان دیدگاه‌ها در کیفیت نزول قرآن پرداخته‌اند نیز به ندرت روایات ماهیت این دو بیت و نزول قرآن به آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند.

^۱ - او از بزرگان خوارج بود.

در مقالات نگاشته شده در این زمینه همچون «کنکاشی در حقیقت بیت المعمور با رویکردی برتحلیل روایات» نوشته امان اله ناصری، مهدی اکبرنژاد و مینا شمخی، و «مطالعه تطبیقی آراء مفسران فریقین در چیستی و کجایی «بیت المعمور»» نوشته زهرا اخوان مقدم و ناهید شاهمیرانی، خاستگاه اولیه و سند روایات بررسی نشده است.

مقالات بسیاری نیز تاکنون در زمینه کیفیت نزول قرآن نوشته شده است که در برخی همچون «نظریه ای در کیفیت نزول قرآن» صالحی نجف آبادی، ضمن مرور روایات صحابه در زمینه ماهیت بیت المعمور به نقد و ردّ روایات نزول دفعی قرآن بر بیت المعمور و ادعای شیخ صدوق در این زمینه پرداخته است. و در برخی دیگر همچون «نزول دفعی قرآن، شبهات و پاسخ ها» نوشته علی اصغر ناصحیان و «نگرشی دوباره بر کیفیت نزول قرآن» محمد سعیدی مهر از نظریه نزول دفعی قرآن در شب قدر دفاع شده است. اما تا کنون پژوهشی به مقایسه و اعتبارسنجی روایات فریقین درباره ماهیت بیت المعمور و بیت العزه و همچنین احادیث نزول دفعی قرآن در شب قدر پرداخته است. از این رو اعتبارسنجی و مقایسه روایات فریقین در باب موضوع جهت دستیابی به نتیجه مطلوب ضرورت می یابد.

شیوه پژوهش: در این پژوهش از روش ارزیابی سند، متن و خاستگاه روایات و تحلیل و بررسی داده ها برای اعتبارسنجی روایات بهره گرفته شده است. گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه ای، نرم افزار و پایگاه های اینترنتی است.

۱. تبیین مفهوم «البیت المعمور» و «بیت العزه»

«البیت المعمور»: ترکیب وصفی از «بیت» و «معمور» است. «بیت» در اصل ماوای انسان در شب است و به سرا و خانه مادی و معنوی «بیت» گفته می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ج ۱، ص ۱۵۱)

عمر: العَمْرُ و العُمُرُ: به معنای حیات (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۰۱ و اسم برای مدت عمارت بدن به حیات است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸۶)

«معمور» اسم مفعول از ریشه «عمر» است. به معنای چیزی است که حیات مداوم و آبادانی پیوسته دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۱۹)

بنابراین «بیت المعمور» از نظر لغوی به معنای خانه آباد است. البته نه آبادانی که صرفاً مربوط به بنا و ظاهر مادی مکان باشد، بلکه آبادانی می تواند به خاطر جریان داشتن زندگی و حیات در آن باشد. چنانکه طریحی «معمور» را به معنای «الماهول» یعنی پر جمعیت می داند. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۱۲) جمعیتی که به سبب وجود آنها زندگی جریان می گیرد و باعث آبادانی و حیات مادی و معنوی می شود. بنابراین «بیت المعمور» هم بر خانه آباد از نظر مادی اطلاق می شود و هم بر خانه آباد از نظر معنوی.

«العزه» در اصل دلالت بر شدت و قوت دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۱۳) و حالتی است که مانع مغلوب شدن انسان می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۶۳)

معنای این واژه با توجه به موصوفش متفاوت است. اگر برای خداوند به کار رود، به معنای قدرت و توانایی و شکست ناپذیری اوست و اگر برای زمین بیاید به معنای سخت و محکم و نفوذ ناپذیر است و اگر صفت برای انسان باشد به معنای گرامی و محترم است. (همان) بنابراین «بیت العزه» در لغت می تواند به معنای خانه سخت و محکم و نفوذ ناپذیر یا مکانی ارزشمند باشد.

۲. چیستی و جغرافیای مکانی «البیت المعمور» در منابع فریقین

از بررسی منابع موجود^۱، بدست می‌آید که ترکیب «البيت المعمور» در ادبیات پیش از اسلام به کار نرفته و نخستین بار در قرآن کریم آمده است. در آیه چهارم سوره طور که خداوند، بر آن سوگند یاد می‌کند. این سوگند حاکی از تقدس و حرمت ویژه این مکان در نزد خداوند است.

درباره ماهیت و مکان «بيت المعمور» که در برخی روایات با تعابیر «صُراح» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱۳)، «ضریح» و «عروبا» (حقی بروسری، بی تا، ج ۹، ص ۱۸۵)، از آن یاد شده، روایات بسیاری در منابع حدیثی فریقین آمده است که از بررسی آنها در مجموع معانی زیر برای آن به دست می‌آید که با کنکاش در خاستگاه اولیه روایات به اعتبار سنجی آنها و هریک از معانی می‌پردازیم.

۲-۱. «البيت المعمور» کعبه است.

این دیدگاه ریشه در روایتی از حسن (بصری) دارد که نخستین بار ثعلبی (قرن ۵) آن را از ابی (ابونضر صاحب البصری) از عمرو (عمرو بن عبید بن باب) از حسن (بصری) چنین نقل می‌کند: «بيت المعمور کعبه است که خداوند هر سال ششصد هزار نفر را در آن ساکن می‌کند. اگر کمتر باشند، با فرشتگان آن را کامل می‌کند.» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۱۲۴)^۲ البته خود این دیدگاه را به دلیل ضعف سندی نمی‌پذیرد زیرا ابونضر، ضعیف (عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۹۵) و عمرو بن عبید متهم به بدعت (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۰۵) و حسن بصری با اینکه فقیه و ثقة بوده، متهم به تدلیس و ارسال حدیث است. (ثعلبی (دارالتفسیر)، ۱۴۲۲ق، ج ۲۵، ص ۱۴ پاورقی)^۳ شکیلی این معنا را به دلیل مخالفت آن با احادیث صحیحی که «بيت المعمور» را مشخص می‌کنند، باطل می‌داند، مگر اینکه منظور حسن این باشد که وصف معمور بر کعبه منطبق است، زیرا به دلیل زیارت حُجاج آباد است. (شکیلی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۹۷۸) در منابع حدیثی شیعه روایتی که بر این معنا دلالت کند، از ائمه اطهار (ع) یافت نشد. به نظر می‌رسد از منابع اهل سنت به برخی از تفاسیر شیعه (حائری تهرانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۰، ص ۴۸۸ / مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۶۱) راه یافته باشد.

۲-۲. «البيت المعمور» مسجد الاقصی است.

در روایتی از «مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ فَضَالَةَ عَنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نَقَلَ» شده که: علی (ع) در پاسخ به سوال مردی فرمودند: «بيت المعمور همان مسجد الاقصی است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۹۴) این روایت نیز از نظر سندی مخدوش است. زیرا شخصیت ابن عیسی مجهول است. اگر مقصود محمد بن عیسی بن عبید یقطینی باشد، برخی او را توثیق (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۳) و برخی تضعیف (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۴۸) کرده اند و الاهوازی هم به چند نفر اطلاق می‌شود که دقیقاً مشخص نیست کدام اهوازی است و حضرمی نیز مجهول الحال است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۰۲ پاورقی) بنابراین این معنا نیز به دلیل ضعف سندی روایت آن قابل اعتنا نیست. مگر اینکه با توجه به معنای لغوی، مسجد الاقصی را یکی از مصادیق بیت المعمور بدانیم.

۲-۳. «البيت المعمور» قبله ملائک در آسمان است.

^۱ - همچون: دیوان عمرو بن قمیته، دیوان الافوه الاودی و دیوان طرفه بن العبد

^۲ - در جوامع حدیثی شیعه روایتی دال بر این معنا یافت نشد.

در اکثر روایات فریقین، بیت المعمور به عنوان قبله ملائک در آسمان معرفی شده است اما در مورد مکان این قبله راویان نخستین متفق القول نیستند و آسمانهای مختلفی را به عنوان جایگاه «بیت المعمور» ذکر کرده اند از جمله:

۲-۳-۱. آسمان هفتم:

بیشترین روایات و آراء در منابع اهل سنت به این اختصاص دارد که «بیت المعمور» خانه ای در آسمان هفتم است که ملائک در آن عبادت می کنند.

این معنا ریشه در روایتی از مجاهد بن جبر (۲۱-۱۰۴ق) دارد که از انس بن مالک او از صعصعه بن مالک نقل می کند. (مجاهد بن جبر، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲۲) و به حدیث اسراء مشهور است. در بخشی از این حدیث طولانی که شرح واقعه معراج از زبان پیامبر (ص) است، چنین آمده که ایشان فرمودند: «...وقتی که جبرئیل مرا به آسمان هفتم برد، به بنایی رسیدم و از او پرسیدم: این چیست؟ او گفت: این بنایی است که خداوند برای فرشتگان ساخته و هر روز هفتاد هزار فرشته به آن وارد می شوند و خدا را تسبیح و تقدیس می کنند و هرگز به آنجا باز نمی گردند.» (بخاری، ۱۴۳۳ق، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۲۰۷)

این روایت با مضمونی مشترک از روایان مختلف همچون قتاده، خالد بن عرعره و او از مردی مجهول از علی (ع)، ابن عباس، عایشه، عبدالله بن عمرو نیز نقل شده است. (رک: به: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۱) تا جایی که قائل به تواتر معنوی آن شده اند. (شقیطی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۹۶۳)

در قرون بعد، بخش های زیادی از این حدیث حذف شده و فقط به مکان بیت المعمور (با اختلافاتی)، دخول ۷۰۰۰۰ ملک و نماز در آن و عدم بازگشت تا قیامت یا ابد اشاره شده است. فراوانی گونه های مختلف این حدیث با اسناد مختلف و محدودیت مقاله مانع ارزیابی سندی آنها است.

اما در منابع شیعه نیز حدیثی از ابراهیم بن هاشم قمی از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم از امام صادق (ع) - با تفاوتها و شباهتهایی با روایت فوق - درباره معراج پیامبر (ص) نقل شده که در آن نیز آسمان هفتم به عنوان مکان بیت المعمور اعلام شده است. (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۹-۵)

تمام راویان این حدیث از سوی علمای رجال توثیق شده اند. چنانکه حرّ عاملی، ابراهیم بن هاشم قمی پدر قمی مفسر را، ثقه در حدیث، ثبت، معتمد و صحیح المذهب می داند. (حرّ عاملی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۹) ابن ابی عمیر نیز از موثق ترین مردم نزد خاصه و عامه بوده و امام کاظم و رضا و جواد (علیهم السلام) را درک کرده است. (نجف، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴) و نجاشی و حلی با عبارت ثقه، ثقه بر وثاقت هشام بن سالم تاکید کرده اند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۳۴/حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۷۹) از آنجا که اصل معراج و وقوع آن بر اساس آیات قرآن (اسراء: ۱ و نجم: ۶-۱۸) امری مسلم و قطعی است و روایات صحیحی نیز در این زمینه در منابع فریقین وجود دارد - هر چند برخی از روایات با خرافات و مطالب نادرست درآمیخته - آن دسته از مشاهدات پیامبر (ص) در آسمانها که در تمام گونه های مختلف حدیث اسراء مشترک است و به تواتر معنوی رسیده را نمی توان انکار کرد. از جمله مشاهده بیت المعمور در آسمان هفتم.

۲-۳-۲. خانه ای در آسمان های هفتگانه در عرش:

صنعانی(۱۲۶-۲۱۱ق) روایتی از معمر از وهب بن عبدالله از ابی الطفیل نقل می کند که فردی به نام ابی الکواء از علی(ع) پرسید: بیت المعمور چیست؟ امام در پاسخ فرمودند: «ذلك الضراح في سبع سماوات في العرش، يدخله كل يوم سبعون ألف ملك، لا يعودون إليه إلى يوم القيامة»(صنعانی، ۱۴۳۷ق، ج ۵، ص ۲۸) که در آن مکان بیت المعمور آسمانهای هفتگانه در عرش اعلام شده است.

راویان این روایت: معمر(بن خلاد بغدادی) ثقه و از راویان امام رضا(ع) است.(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۲۱) وهب بن عبدالله از اصحاب پیامبر(ص) و یاران امام علی(ع).(تفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۳۰) و ابی طفیل(عامر بن واثله کنعانی) از ثقات اصحاب علی(ع) است.(مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۸۱-۸۱) بنابراین این روایت به دلیل وثاقت راویان، از لحاظ سندی جزو احادیث صحیح به شمار می رود.

اما متن آن در گذر زمان دستخوش تغییر شده است. چنانکه الارزقی(ت ۲۵۰ق) آن را با همان راویان چنین گزارش می کند: «قال: ذلك الضراح فوق سبع سماوات تحت العرش، يدخله كل يوم سبعون ألف ملك لا يعودون فيه إلى يوم القيامة»(الارزقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۲-۹۳) که در آن «فی» قبل از سبع سماوات و عرش به «فوق» و «تحت» تغییر کرده و به همین شکل به منابع بعد (مانند: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۱۷) انتقال یافته است. در گزارش هلبی بن آسمان هفتم به ششم (الارزقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۲-۹۴) و چهارم (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، بخش ۱، ص ۲۸) تغییر یافته است.

۲-۳-۳. آسمان ششم:

در مورد این جایگاه، در مجموع سه دیدگاه در منابع فریقین به چشم می خورد.

فراء(قرن ۲) «بیت المعمور» را خانه ای می داند که به دست حضرت آدم بنا شده و در زمان طوفان نوح به بالا رفته و در آسمان ششم بالای کعبه قرار گرفته است.(فراء، بی تا، ج ۳، ص ۹۱)

از ضحاک(قرن ۳) نقل شده: «بیت المعمور از بهشت نازل شده و در مکه آباد گشته و سپس هنگام طوفان (نوح) خداوند آن را بالا برده و اکنون در آسمان ششم قرار دارد که هر روز هفتاد هزار فرشته از قبیله ای ابلوس به آن وارد می شوند و دیگر هرگز به آن بازمی گردند.»(سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۱۷)

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: «خداوند به یکی از فرشتگان فرمان داد که برای او خانه ای در آسمان ششم بسازد، که به آن "ضراح" گفته می شود، در مقابل عرش او پس آن را برای اهل آسمان قرار داد، و هفتاد هزار فرشته هر روز به دور آن طواف می کنند و بازمی گردند و استغفار می کنند.»^۱(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۸۷-۱۸۸)

روایات مربوط به این دیدگاه از نظر سندی و متنی قابل خدشه اند زیرا:

اولاً: اشکال مختلف این روایت که علاوه بر فراء و ضحاک از ابن جریر، مقاتل، ابن عباس و مجاهد نیز نقل شده، بعضاً جعلی و با اسناد ضعیف هستند.(ر.ک: به الارزقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۳ باورقی)

ثانیاً: روایات این جایگاه دارای اضطراب متن است. چنانکه طبق روایت فراء «بیت المعمور» به دست حضرت آدم بنا شده ولی طبق روایت ضحاک، آن از بهشت نازل شده و بر اساس روایت امام صادق(ع) فرشتگان به دستور خداوند آن را در آسمان ششم ساخته اند.

^۱ - سند روایت: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن أبي عباد عمران بن عطية، عن أبي عبد الله (عليه السلام)

ثالثا: مطالب ذکر بیان شده در روایت فراء و ضحاک از نظر عقلی باورپذیر نیست. چطور ممکن است یک خانه مادی در زمین، با وقوع طوفان پس از گذر از پنج آسمان به آسمان ششم برسد و در آنجا قرار بگیرد؟

بعلاوه خلقت ملائک پیش از خلقت حضرت آدم (ع) و طوفان نوح بوده و اگر آنان نیاز به عبادتگاه داشتند از زمان خلقتشان قبله‌ای برای آنان تعیین یا خلق شده و نیازی نبوده تا کعبه زمین با وقوع طوفان نوح برایشان بالا برود. چنانکه در روایتی از ابن عباس زمان خلقت بیت المعمور قبل از خلقت آسمان و زمین اعلام شده است. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۸۷۱)

رابعاً: محمد بن سنان از روایان حدیث امام صادق (ع) از سوی علمای رجال تضعیف شده است. (نفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۲۴) بنابراین به دلیل شهادت بخش آخر روایات مذکور (وارد شدن ۷۰۰۰۰ فرشته هر روز بر آن و عدم بازگشت آنان) با بخشی از حدیث اسراء که مربوط به بیت المعمور است، احتمال می‌رود که منشاء این روایات، حدیث اسراء باشد که به مرور زمان توسط روایان تغییر کرده است.

۲-۳-۴. آسمان پنجم:

مقاتل بن سلیمان (قرن ۲) بیت المعمور را «صراح» می‌نامد که در آسمان پنجم و یا به قولی در آسمان دنیا بالای کعبه قرار دارد که هفتاد هزار ملائک از جن بر آن نماز می‌گذارند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۴۳) ولی از آنجا که مقاتل سندی برای این دیدگاه ارائه نمی‌کند و در منابع دیگر نیز سندی برای آن یافت نشد، قابل اعتنائیست. بعلاوه به دلیل شهادت متن روایت به حدیث اسراء به نظر می‌رسد، برش تغییر یافته‌ای از آن باشد.

۲-۳-۵. آسمان چهارم:

اکثر اخبار شیعه دلالت دارد که بیت المعمور، خانه‌ای در آسمان چهارم در بالای کعبه است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۰) این معنا مستفاد از روایاتی است که از ابن مسعود (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۵۵)، علی (ع)، ابن عباس و مجاهد نقل شده است. (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۰۲ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۲۴۷)

روایت علی (ع) در شیعه نخستین بار در خطب امیرالمومنین (ع) جلودی (قرن ۴) گزارش شده با این مضمون که امام در پاسخ به سوال ابن الکواء در مورد بیت المعمور فرمودند: «آن صراح خانه‌ای در آسمان چهارم در بالای کعبه است که هر روز ۷۰۰۰۰ ملک بر آن داخل می‌شوند و تا قیامت به سوی آن باز نمی‌گردند.» (ابن طاووس، ۱۳۷۶ش، بخش ۱، ص ۲۸)

این روایت همان روایتی است که عبدالرزاق صنعانی (۱۲۶-۲۱۱ق) آن را گزارش کرده و در آن امام مکان «بیت المعمور» را در هفت آسمان در عرش اعلام کرده بودند نه آسمان چهارم. (رک به: ص ۶ و ۵مین مقاله) الارزقی (ت ۲۵۰ق) همین روایت را با دو سند متفاوت آورده، که در یکی آسمان ششم جایگاه بیت المعمور و در دیگری بالای هفت آسمان در زیر عرش اعلام شده است.

(الارزقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۲-۹۴) بنابراین از آنجا که صنعانی و الارزقی یک قرن پیش از جلودی (قرن ۴) می‌زیسته‌اند، مشخص می‌شود که این روایت از منابع اهل سنت با تغییراتی به منابع شیعه راه یافته است. البته گزارش صنعانی از روایت علی (ع) از نظر سندی صحیح بوده (بنگرید به ص ۶ مقاله) و از نظر متنی و بیان جایگاه بیت المعمور به حدیث اسراء نزدیکتر است.

علاوه بر روایات فوق روایتی نیز از ابوهیریه نقل شده که: «در آسمان، خانه‌ای وجود دارد که به آن "معمور" گفته می‌شود و در مقابل کعبه قرار دارد. در آسمان چهارم، نهی به نام "حیوان" وجود دارد که جبرئیل هر روز به آن وارد می‌شود و در آن غوطه‌ور

می‌شود. سپس خارج می‌شود و به شدت تکان می‌خورد و از او هفتاد هزار قطره می‌ریزد. خداوند از هر قطره، فرشته‌ای خلق می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که به خانه‌ی معمور بیایند و نماز بخوانند...» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۱۷)

این روایت علاوه بر اشکالات متنی که بیان مسائل عجیب و دور از ذهن است، از سوی بسیاری از حفاظ از جمله جوزجانی، عقیلی و حاکم نیشابوری انکار شده و آن را غریب و منکر دانسته‌اند زیرا روح بن جناح تنها کسی است که آن را روایت کرده و هیچ اصلی از ابوهریره، سعید و زهری نیز ندارد. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۷۴ پاورقی / ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۹۸)

۲-۳-۶. آسمان دنیا، ما بین آسمان چهارم و زمین:

محمد بن سنان از امام رضا (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند: «بیت المعمور» در آسمان دنیا به محاذی (مقابل) ضراح در آسمان چهارم و کعبه در زمین، برای عبادت ملائک و پناهی برای آنان است.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۸۸)

راوی اصلی این حدیث، محمد بن سنان از سوی علمای رجال تضعیف شده است. از جمله تفرشی که وی را جدا ضعیف و غیر قابل اعتماد دانسته و گفته: به آنچه که فقط او روایت کرده توجه نمی‌شود. (تفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۲۴)

این روایت علاوه بر ضعف سندی به دلیل عدم وثاقت محمد بن سنان، از نظر متنی و جایگاهی که برای بیت المعمور تعریف کرده نیز قابل خدشه است. زیرا مابین آسمان چهارم تا زمین، سه آسمان دیگر یعنی آسمان اول، دوم و سوم نیز هستند که دقیقاً مشخص نیست کدام یک از این آسمان‌ها، آسمان دنیا است.

۲-۴. جمع بندی اعتبار روایات ماهیت و جایگاه بیت المعمور

با وجود اشکالات سندی و بعضاً متنی برخی از روایات بیانگر ماهیت بیت المعمور، نمی‌توان از نقاط اشتراک آنها چشم پوشید و اینگونه تصور کرد که شرع ماهیت آن را برای بشر مشخص نموده است.

نقطه اشتراک تمام این روایات این است که بیت المعمور محل عبادت و قبله گاه است. از آنجا که علاوه بر جن و انس، تمام موجودات حتی موجودات آسمانها نیز خدای یکتا را تسبیح و عبادت می‌کنند. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور: ۴۱)

و نیز روایات صحیحی از ائمه اطهار (علیهم السلام) که در آنها از بیت المعمور به عنوان کعبه و محل عبادت ملائک یاد شده است. از جمله: امام باقر (ع) فرمودند: «هنگامی که رسول الله (ص) به آسمان معراج کرد و به بیت المعمور رسید، وقت نماز فرا رسید. جبرئیل اذان گفت و اقامه کرد، سپس رسول الله (ص) پیش رفت و فرشتگان و پیامبران پشت سر محمد (ص) صف بستند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰۲) مجلسی این حدیث را از لحاظ سندی حسن کالصحیح یا صحیح دانسته است. (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۶۳)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر (ص) فرمودند: در معراج «... فرشتگان سپس بر من سلام کردند و از برادرم (علی) (ع) سؤال کردند. گفتم: او در زمین است. آیا او را می‌شناسید؟ گفتند: چگونه او را نشناسیم، در حالی که هر سال به بیت المعمور حج می‌گذاریم و بر آن، رقعهای سفید است که در آن نام محمد و علی و حسن و حسین و ائمه (علیهم السلام) و شیعیان‌شان تا روز قیامت نوشته شده است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۲-۴۸۴) این حدیث نیز از لحاظ سندی حسن کالصحیح است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵)

بر این مبنای برخی برآیند که فرشتگان نیز همچون زمینیان، کعبه و قبله گاهی در آسمانها دارند یعنی: «در هر آسمانی خانه‌ای است که اهل آن در آن عبادت می‌کنند و به سوی آن نماز می‌خوانند.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۹۸) فلسفه وجودی آن نیز می‌تواند، هماهنگی و یکپارچگی ملائک در عبادت، همچون انسانها در رو آوردن به کعبه باشد.

بنابراین با توجه به روایات و همچنین معنای لغوی «بیت المعمور»، آن خانه‌ای آباد است که حیات و آبادانی‌اش بیشتر معنوی و بواسطه ارتباط مخلوقات با مبدا هستی است نه مادی و اینکه در روایات آمده که کعبه در محاذات (برابر) بیت المعمور واقع شده ظاهراً مقصود محاذات معنوی است نه حسی و جسمانی. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۷۱) و آن دارای نمود زمینی و نمود آسمانی است و ارتباط انسان با نمودهای زمینی بیت المعمور باعث می‌شود تا انسان در محاذات بیت المعمور آسمانی قرارگیرد و به درجات بالا و تا به عرش الهی برسد.

نمودهای زمینی بیت المعمور نیز عبارتند از:

۱. پیامبران و ائمه اطهار (علیهم السلام) (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش، ص ۶۵) که قلوب پاک و نورانی آنها خانه رب گشته و با تعالی معنوی به بیت المعمور آسمانی و عرش الهی راه یافته‌اند. چنانکه پیامبر (ص) خود در شب معراج به آسمانها صعود کردند و نام ائمه (ع) را نیز بر لوحی در بیت المعمور آسمانی مشاهده نمودند. (کلینی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۳۹۲) و برخی از پیامبران از جمله حضرت ابراهیم (ع)، ادریس و... را نیز در آنجا ملاقات نمودند. (در کتب بخاری، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۲۹۰)

۲. کعبه: که از جایگاه خویش تا اعماق آسمان کعبه است. «انها قبله من موضعها الی السماء» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۴۷) در محاذی (مقابل) بیت المعمور آسمانی. همان‌طور که بیت المعمور آسمانی با عبادت و طواف فرشتگان آباد می‌شود، روح پارسای زائران کعبه از جمله اولیای الهی نیز با عبادت خالصانه، به مقام شامخ بیت المعمور آسمانی و سپس به مقام عرش می‌رسد. (بنگرید به: جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۲ و صهبای حج، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۶)

اما مفاد کلام نورانی امام صادق (ع) که فرمودند: «بیت المعمور همانند کعبه و عرش بر چهار پایه (تسیحات اربعه) استوار است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱) این است که تسیحات اربعه باعث تحقق عرش و آن باعث تحقق بیت المعمور و بالاخره بیت المعمور باعث تحقق کعبه می‌شود. یعنی: آنچه در عالم طبیعت است الگویی از عالم مثال و آن خود الگویی از عالم مجردات است و عالم مجردات نیز الگویی از اسماء حسنا الهی است. بنابراین راز مربع بودن آنها همان تربیع کلماتی است که بر تنزیه، تحمید و تهلیل و تکبیر دلالت دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۳) «سبحان الله الحمد لله لاله الا الله و الله اکبر» بنابراین عبادات ویژه نماز باعث آبادانی قلب انسانها و قرار گرفتن در چهارچوب بیت المعمورهای طبیعی، مثالی و عرشی می‌شود تا به توحید و وصال معشوق و محبوب حقیقی برسند.

۲-۵. «البیت المعمور» جایگاه نزول قرآن در شب قدر است.

در منابع فریقین روایاتی به چشم می‌خورد که در آنها خبر از نزول دفعی قرآن در شب قدر، از لوح محفوظ بر بیت المعمور (در منابع شیعه) یا بیت‌العهز در آسمان دنیا (در منابع اهل سنت) می‌دهند.

الف. در منابع شیعه

منشاء این دیدگاه در منابع شیعی، روایتی است که در امالی صدوق و کافی کلینی از امام صادق (ع) نقل شده است.

صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق) از احمد بن محمد بن یحیی العطار او از سعد بن عبدالله او از قاسم بن محمد اصفهانی او از سلیمان بن داوود منقری و او از حفص بن غیاث نقل می‌کند که گفت: «از امام صادق (ع) در مورد نزول قرآن در ماه رمضان پرسیدم و ایشان فرمودند: قرآن به صورت کامل در ماه رمضان بر بیت المعمور نازل شده است. سپس در مدت بیست سال بین اول و آخرش نازل شده است...» وی با استناد به این روایت، نزول دفعی قرآن را در شب قدر بر پیامبر (ص) ثابت می‌کند. (صدوق، ۱۳۷۶ش، النص، ص ۶۲)

کلینی نیز (۲۵۸-۳۲۹ق) در کافی این حدیث را از علی بن ابراهیم از پدرش و محمد بن قاسم از محمد بن سلیمان از داوود از حفص بن غیاث، نقل می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۹) ولی در بعضی نسخ دیگر سند روایت به قرار زیر است: علی بن ابراهیم قمی از پدرش و علی بن محمد از قاسم بن محمد از سلیمان داود از حفص بن غیاث. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۸ پاورقی)

بررسی:

در سند این حدیث در تمام نسخ کافی و امالی صدوق سه نفر یعنی: قاسم بن محمد و سلیمان داوود و حفص بن غیاث مشترک اند که با بررسی شرح حال راویان اسناد کافی و صدوق موارد زیر بدست می‌آید:

الف- احمد بن محمد بن یحیی العطار ابو علی قمی؛ از مشایخ اجازه و روایت بوده و بسیاری از علما او را توثیق کرده‌اند. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۸ ص ۱۱۲-۱۱۶)

ب- سعد بن عبدالله اشعری قمی ثقة است ولی از عامه حدیث بسیار می‌شنیده است. (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۶۳ / نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۷)

ج- قاسم بن محمد: مورد قبول علماء نبوده و به حدیثش اعتماد نمی‌کردند. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۴) ولی از روایاتش به عنوان مؤید می‌توان استفاده کرد. (حلی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۸۹)

د- سلیمان بن داوود منقری (متوفای ۲۳۴ ق) از راویان عامه است. هر چند بعضی از علمای رجال اهل سنت او را تضعیف کرده‌اند. (ساعدی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۵) اما نجاشی او را با عبارت «لیس بالمتحقق بنا غیر انه روی عن جماعة أصحابنا من أصحاب جعفر بن محمد [علیه السلام] و كان ثقة» توثیق می‌کند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۴، رقم ۴۸۸)

ذ- حفص بن غیاث (متوفای ۱۹۴ق) قاضی هارون الرشید و از راویان عامه است و برخی از علمای رجال او را کثیر الغلط و مدلس حدیث دانسته و حدیثی را که فقط او نقل کرده و دیگران نقل نکرده‌اند را مورد قبول ندانسته‌اند. (عسقلانی، ۱۴۳۵ق، ج ۲ ص ۴۱۶-۴۱۷) شیخ طوسی و علامه حلی بدون جرح و تعدیل وی، فقط به عامی بودن و قاضی هارون الرشید بودن او اشاره کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۸/حلی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۱۸) اما مامقانی با توجه به برخی روایات حفص بن غیاث از امام صادق (ع) که اشاره به ولایت ائمه دارد، احتمال شیعه بودن او را می‌دهد و کذاب بودن او را ادعایی بی دلیل می‌داند. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۳، ص ۲۹۴-۳۰۲)

هر چند صالحی نجف آبادی کوشیده تا با تکیه بر آن دسته از آراء رجالی که فقط به تضعیف راویان این حدیث پرداخته‌اند، روایت مذکور را رد و مردود اعلام کند. (بنگرید به صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۲۷) ولی با تحقیق بیشتر مشخص می‌شود، همان افرادی که از سوی برخی رجالیون تضعیف شده‌اند، از سوی برخی دیگر مورد توثیق قرار گرفته‌اند. مانند: حفص بن غیاث و سلیمان بن داوود.

علمای رجال شیعه از پنج راوی، چهار راوی را توثیق کرده‌اند و فقط قاسم بن محمد، بین قاسم بن محمد اصفهانی قمی و قاسم بن محمد جوهری مجهول است. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت عدم وثاقت وی را ثابت کرد و حکم بر مردود دانستن حدیث داد.

این که صدوق با توجه به این روایات، از اعتقاد بر نزول دفعی قرآن در شب قدر و سپس نزول تدریجی در مدت بیست سال سخن می گوید. (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۲) به راحتی نمی توان گفت این اعتقاد صرفاً به خاطر اخباری بودن و توجه بیش از اندازه ایشان به روایات بوده است. زیرا قریب به اتفاق علما و مفسران فریقین نزول دفعی قرآن را پذیرفته اند. تنها بحث در جایگاه نزول دفعی است که برخی از جمله صدوق با توجه به روایات آن را «بیت المعمور» و برخی قلب پیامبر (ص) و اکثریت عامه آن را بیت العزه می دانند.

حال اگر قلب رسول خدا (ص) که خود نمود طبیعی بیت المعمور است، به تعلیم الهی به محتوای لوح محفوظ در شب قدر آگاهی یافته باشد (بگرید به: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۹، ص ۳۵۲-۳۵۵) می توان نتیجه گرفت؛ دیدگاهی که «بیت المعمور» را قلب پیامبر (ص) می داند (فین کالمانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۷) صحیح است.

لذا نباید اینگونه تصور کرد که مقصود از بیت المعمور در روایت، فقط بیت المعمور آسمانها است. زیرا کسی که تعالی یافته و به مقام ولی الهی رسیده، دیگر بین او و خدا و جبرئیل اصلاً واسطه ای نیست، در نتیجه آنچه که مردود است نزول دفعی بر آسمان دنیا یا بیت المعمور (آسمانی) است. (ابن عربی، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۶۲)

با دقت در روایت امام صادق (ع) نیز می بینیم که جایگاه بیت المعمور مشخص نشده است و ایشان فرمودند که قرآن در شب قدر بر بیت المعموری که در آسمان دنیاست نازل شده است.

بعلاوه باید توجه داشت که توقف قرآن در بین راه آسمان و زمین، با هدایتگری آن برای انسانها سازگار نیست. ولی نزول قرآن در شب قدر به صورت دفعی بر قلب پیامبر (ص) - نمود زمینی بیت المعمور (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۰۷) - بوده که در اتحاد با بیت المعمور آسمانی و عرشی است تا با نورانیت جامع، آن حضرت هدایتگر مردم باشد.

ب. در منابع اهل سنت

در منابع اهل سنت روایتی از ابن عباس به چشم می خورد که در آن خبر از نزول دفعی قرآن در شب قدر بر «بیت العزه» در آسمان دنیا و سپس نزول تدریجی آن در طول رسالت پیامبر (ص) می دهد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۷۰)

ظاهراً عبدالرزاق صنعانی (ت ۲۱۱ق) اولین کسی است که آن را روایت کرده است. (بگرید به: عبدالرزاق صنعانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۴)

درباره ماهیت بیت العزه، روایتی در منابع حدیثی فریقین یافت نشد. مفسران نیز به آن پرداخته اند. فقط حافظ برسی آن را فلک قمر (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸) و کبیر مدنی شیرازی آن را قلب رسیده به مقام فنای فی الله می داند. (مدنی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۹۴)

به هر حال در میان عامه، درباره چنین نزولی، ادعای اجماع وجود دارد. (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۲۹۷-۲۹۸) و سیوطی آن را صحیح ترین و مشهورترین قول می داند. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۵۶) حتی برخی از طرفداران این دیدگاه، فلسفه و حکمت هایی را برای آن بیان کرده اند از جمله: شرافت ملائک «چون آسمان دنیا مشترک بین ما و بین ملائکه است و برای ملائک سکنا و برای ما سقف و زینت است، خداوند قرآن را در شب قدر برای ملائک آشکار می کند و آنها را به وظایفشان امر کرده و با مقدرات آشنا کند.» (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۰) و یا به جهت، تقریب و شوق (ملائک) برای نزول و مطالعه قرآن. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۲۸) و یا املاء قرآن توسط جبرئیل بر فرشتگان کاتب (سفره) و کتابت آن توسط فرشتگان کاتب. (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۱)

بررسی

از وجود ترکیب «بیت المعمور» در قرآن و روایات بسیار در بیان ماهیت آن در منابع فریقین و نیز روایتی از ابن عباس که در آن خبر از نزول قرآن در شب قدر بر «بیت المعمور» می‌دهد. (ر.ک به: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ص ۸۵) نه «بیت العزه» و عدم ذکر بیت العزه در قرآن و همچنین مجهول بودن آن در روایات، می‌توان نتیجه گرفت که روایت نزول قرآن در شب قدر بر «بیت العزه» صحیح نیست و به احتمال قوی همان «بیت المعمور» بوده که توسط راویان تغییر یافته است.

بعلاوه دیدگاه نزول قرآن در شب قدر بر بیت العزه و دلایل و فلسفه‌هایی که برای این نزول بیان کرده اند، دارای اشکالات بسیاری است. زیرا:

اولاً: فایده ای برای اطلاع اهل آسمان از قرآن با توجه به اینکه آنها مکلف به عمل به قرآن نیستند مترتب نیست. «چرا که در آیه ۱۸۵ بقره که تعبیر به انزال - یعنی نازل شدن یک پارچه - فرموده، به دنبالش فرموده: «هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ» یعنی: به این منظور نازل شده که هدایتگر مردم و فارق میان حق و باطل باشد، و دلالتی روشن از هدایت ارائه دهد، و این معنا با نازل شدن به آسمان دنیا نمی‌سازد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲ ص ۱۵)

ثانیاً: نزول قرآن بر بیت العزه برای کتابت توسط فرشتگان کاتب (سفره) نیز نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا طبق روایات، نزول قرآن بر این مکان‌ها دفعی و «جمله واحده» بوده، پس چگونه فرشتگان آن را کتابت کرده‌اند؟ اگر انتقال مطالب به دفتر آنها دفعی و در لحظه بوده که نامش کتابت نیست و اگر به صورت املاء و تدریجی بوده، اصلاً نزول نامیده نمی‌شود و همان املاء خواهد بود.

ثالثاً: این روایات برخلاف ظاهر قرآن بوده و گویای آن است که چیزی از قرآن در ماه رمضان بر پیامبر (ص) نازل نشده، بنابراین منت و حکمتی در برقراری ماه رمضان به عنوان ماه روزه برای ما باقی نمی‌گذارد زیرا وجود قرآن در آسمان دنیا همانند وجود آن است در دیگر آسمان‌ها و یا لوح محفوظ، از آن جهت که موجب هدایتی برای ما نبوده، و در چنین انزالی و خبری فایده ای برای ما متصور نیست. (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۶۱)

رابعاً: مفاد روایت ابن عباس (مبنی بر نزول دفعی قرآن در شب قدر بر بیت العزه) یک خبر غیبی است که به هیچ وجه از غیر معصوم پذیرفته نمی‌شود. چگونه ابن عباس از امور غیبی مطلع شده‌است؟

خامساً: چنین نزولی بدون دلیل قرآنی و حدیثی صحیح و بدون هیچ حکمت قابل قبولی است. (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۳۲) بنابراین، جایگاه نزول دفعی در شب قدر قلب مبارک پیامبر (ص) بوده که لایق پذیرش قرآن بوده و خانه ای در آسمان دنیا. زیرا معنا (قرآن)، بر خانه جسمانی و مادی نازل نمی‌شود ولی بر قلب انسان وارسته نازل می‌شود، لذا روایات نزول بر آسمان دنیا اسطوره ایست که نه عقل و نه دین و نه آیات قرآن آن را می‌پذیرد. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۳۰، ص ۳۷۳-۳۷۴)

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که «بیت المعمور» به عنوان یک مفهوم قرآنی و روایی، جایگاهی مقدس و متصل به عبادت ملائک و پیامبران در آسمانها دارد و مفهومی گسترده تر و فراتری از صرفاً یک مکان زمینی مانند کعبه است. برخلاف «بیت العزه» که فاقد پشتوانه قرآنی و حدیثی قوی است و احتمال وجود آن بسیار ضعیف است. تبیین نزول دفعی قرآن در شب قدر بر بیت المعمور با توجه به اعتبارات روایی و دلالت‌های آیات، معقول تر و مستندتر است. براساس این ادله نزول دفعی قرآن به فرض وجود تاریخی آن به معنای انتقال یکباره علم الهی لازم برای رسالت از لوح محفوظ به مرحله ای از واقعیت هستی است که بهترین تفسیر آن به قلب

پیامبر اکرم (ص) بازمی‌گردد که نمود طبیعی بیت‌المعمور است و پل ارتباط معنوی میان عالم کبیر و عالم اصغر محسوب می‌شود. این برداشت ضمن حفظ هماهنگی با نزول تدریجی قرآن در طول رسالت پیامبر (ص)، از تضادهای منطقی و روایی جلوگیری می‌کند و کارکرد هدایتگری قرآن را بهتر تأمین می‌نماید. نقد و تحلیل سندی و مفهومی روایات مرتبط بابت‌المعمور و بیت‌العزه ضروری است تا از تحریف‌ها و برداشت‌های اسطوره‌ای جلوگیری شود و میان فهم علمی و اعتقادی آیات و روایات، تعادلی پایدار برقرار گردد. این پژوهش فرصت بازنگری دقیق‌تر و علمی‌تر در مفاهیم مبهم قرآن و روایات را فراهم می‌کند و بر ضرورت انسجام فرهنگی و فهم صحیح مفاهیم دینی تأکید دارد.

نسخه پیش از انتشار (ناوید اسنه)

منابع

١. قرآن كريم (ترجمه رضایی)
٢. استرآبادی، محمد بن علی. (١٤٢٢ق). منهج المقال في تحقيق احوال الرجال. قم: موسسه آل البيت(ع) الاحياء التراث
٣. ابن بابويه، محمد بن علی. (١٣٧٨ق). عيون أخبار الرضا عليه السلام. (تحقيق: مهدي لاجوردی). تهران: نشر جهان
٤. ابن بابويه، محمد بن علی. (١٣٧٦ش). امالی. تهران: کتابچی
٥. ابن بابويه، محمد بن علی. (١٤١٤ق). اعتقادات الاماميه. قم: کنگره شيخ مفيد
٦. ابن بابويه، محمد بن علی. (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه. (تحقيق: علی أكبر غفاری). قم: انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه
٧. ابن جوزي، ابوالفتح عبدالرحمن بن علی. (١٤٢٢ق). زاد المسير في علم التفسير. بيروت: دارالكتب العربي
٨. ابن عربي، محمد بن عبدالله بن ابوبكر. (بی تا). احكام القرآن. بی جا: بی نا
٩. ابن عربي، محمد بن عبدالله بن ابوبكر. (١٤٣٨ق). تفسير ابن عربي. (تحقيق: سمير مصطفى رباب). بيروت: دارالاحياء التراث العربي
١٠. ابن طاووس، علی بن موسی. (بی تا). محاسبه النفس. تهران: مرتضوی
١١. ابن كثير دمشقی، اسماعيل بن عمرو. (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم. بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علی بیضون
١٢. ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤ق). لسان العرب. بيروت: دارالصادر
١٣. الأزدي البلخي، مقاتل بن سليمان. (١٤٢٣ هـ). تفسير مقاتل بن سليمان. (تحقيق: عبد الله محمود شحاته). بيروت: دار إحياء التراث
١٤. الأزرقی، محمد بن عبد الله. (١٤٢٤ هـ). أخبار مكة وما جاء فيها من الآثار. (تحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهبش). مكة المكرمة: مكتبة الأسدي
١٥. بحرانی، سيد هاشم. (١٤١٦ق). البرهان في تفسير القرآن. تهران: بنياد بحث
١٦. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل. (١٤٣٣ق). الجامع المسند الصحيح. قاهره: دارالتاصيل
١٧. بغدادی، علی بن محمد. (١٤١٥ق). لباب التاويل في معاني التنزيل. بيروت: دارالكتب العلميه
١٨. تستری، سهل بن عبدالله. (١٤٢٣ق). تفسير التستري. بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علی بیضون
١٩. تفرشی، مصطفى بن حسين. (١٣٧٧ش). نقد الرجال. قم: موسسه آل البيت(ع) للاحياء التراث
٢٠. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهيم. (١٤٢٢ق). الكشف و البيان عن تفسير القرآن. بيروت: دارالاحياء التراث العربي
٢١. جوادی آملی، عبدالله. (١٣٨٨ش). تفسير تسنيم ج ٩. (تحقيق: حسن واعظی محمدی و حسين اشرفی). قم: اسراء
٢٢. جوادی آملی، عبدالله. (١٣٩٧ش). كوثر اربعين. (تحقيق: جعفراريايى). قم: اسراء
٢٣. جوادی آملی، عبدالله. (١٣٩٢ش). فرهنگ نامه حج و عمره. (تحقق: مجيد حيدري فرد و احسان ابراهيمي). قم: نشر اسراء
٢٤. حافظ برسی، رجب بن محمد. (١٤٢٢ق). مشارق انوار اليقين في اسرار اميرالمومنين. بيروت: موسسه الاعلمي للمطبوعات
٢٥. حقی بروسوی، اسماعيل. (بی تا). روح البيان. بيروت: دارالفکر
٢٦. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (١٤٢٧ق). الرجال. (تحقق: علی فاضلي). قم: دارالحديث
٢٧. حلّی، حسن بن يوسف. (١٣٨١ش). ترتيب خلاصه الاقوال في معرفه الرجال. مشهد: آستان قدس رضوی
٢٨. حلّی، حسن بن يوسف. (١٤٠٢ق). رجال. (تحقق: محمد صادق بحر العلوم). قم: الشريف الرضی
٢٩. خویی، ابوالقاسم. (١٤١٣ق). معجم الرجال الحديث و تفصيل طبقات ارواه. بی جا: بی نا

۳۰. دروزه، محمد عزت. (۱۳۸۳ق). التفسير الحديث. قاهره: دار احياء الكتب العربيه
۳۱. ذهبي، شمس الدين. (۱۴۰۵ق). سير اعلام النبلاء. بيروت: موسسه الرساله
۳۲. راغب اصفهاني، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات في غريب القرآن. دمشق: دارالعلم الدار الشاميه
۳۳. رشيد رضا، محمد و عبده، محمد. (۱۴۱۴ق). تفسير المنار. بيروت: دارالمعرفه
۳۴. ساعدى، حسين. (۱۴۲۶ق). الضعفاء من رجال الحديث. قم: موسسه علمي فرهنگي دارالحديث (سازمان چاپ و نشر)
۳۵. سيوطي، جلال الدين. (۱۴۰۴ق). الدرالمثور في تفسير الماثور. قم: كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي
۳۶. سيوطي، جلال الدين. (۱۴۲۱ق). الاتقان في علوم القرآن. بيروت: دارالكتب العربي
۳۷. شنيطاي، محمد المختار بن محمد. (۱۴۲۵ هـ). شرح سنن النسائي المسمى «شروق أنوار المنن الكبرى الإلهية بكشف أسرار السنن الصغرى النسائية». الناشر: مطابع الحميضي
۳۸. شهرستاني، محمد بن عبدالكريم. (۱۴۱۵ق). الملل و النحل. بيروت: دارالمعرفه
۳۹. صادقي تهراني، محمد. (۱۳۶۵ ش). الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامي
۴۰. صالحى نجف آبادي، نعمت الله. (۱۳۸۴ش). حديث هاي خيالي در مجمع البيان به همراه چهار مقاله تفسيرى. تهران: كوير
۴۱. صنعاني، ابوبكر عبد الرزاق بن همام. (۱۴۱۹ق). تفسير عبد الرزاق. (تحقيق: محمود محمد عبده). بيروت: دارالكتب العلميه
۴۲. صنعاني، ابوبكر عبد الرزاق بن همام. (۱۴۳۷ق). المصنف، بي جا: دارالتاصيل
۴۳. طباطبائي، سيد محمد حسين. (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم
۴۴. طبرسي، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البيان في تفسير القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو
۴۵. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير. (۱۴۱۲ق). جامع البيان في تفسير القرآن. بيروت: دارالمعرفه
۴۶. طريحي، فخرالدين. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين. (تحقيق: سيد احمد حسيني). تهران: كتابفروشي مرتضوي
۴۷. طوسي، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). رجال. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم موسسه نشر اسلامي
۴۸. طوسي، محمد بن حسن. (بي تا). التبيان في تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربي
۴۹. طوسي، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). الفهرست كتب الشيعة. (تحقق: عبدالعزيز طباطبائي). قم: مكتبة المحقق الطباطبائي
۵۰. عسقلاني، ابوالفضل احمد بن علي. (۱۴۳۵ق). تهذيب التهذيب. بيروت: موسسه الرساله
۵۱. عسقلاني، ابوالفضل احمد بن علي. (۱۴۰۶ق). تقريب التهذيب. (تحقق: محمد عوامه). سوريه: دارالارشيد
۵۲. فخر الدين رازي، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتيح الغيب. بيروت: دار احياء التراث العربي
۵۳. فراء، ابو زكريا يحيى بن زياد. (بي تا). معاني القرآن. مصر: دارالمصريه
۵۴. فيض كاشاني، ملا محسن. (۱۴۱۸ق). الاصفى في تفسير القرآن. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي
۵۵. فيض كاشاني، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). تفسير صافي. (تحقيق: حسين اعلمى). تهران: انتشارات صدر
۵۶. قرطبي، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). الجامع الاحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو
۵۷. قمى، على بن ابراهيم. (۱۳۶۷ش). تفسير قمى. قم: دارالكتاب
۵۸. مدني شيرازي، على بن احمد. (۱۴۲۶ق). الطراز الاول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول. مشهد: موسسه آل البيت (ع) لاحياء التراث
۵۹. كليني، محمد بن يعقوب. (۱۴۰۷ق). الكافي (ط - الإسلامية). (تحقيق: على اكبر غفاري و محمد آخوندى). تهران: دارالكتب الاسلاميه
۶۰. مامقاني، عبدالله. (۱۴۳۱ق). تنقيح المقال في علم الرجال (ط الحديثه). (تحقيق: مامقاني، محي الدين و محمد رضا). قم: موسسه آل البيت (ع) لاحياء تراث
۶۱. مجاهد بن جبر. (۱۴۱۰ق). تفسير مجاهد. (تحقق: محمد عبدالسلام ابوالنيل). مصر: دارالفكر الاسلامي الحديثه

۶۲. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۱۴ق). لوامع صاحبقرانی. قم: موسسه اسماعیلیان
۶۳. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین. (تحقق: موسوی کرمانی و اشتهازدی). قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور
۶۴. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی
۶۵. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۶۶. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۲۴ق). تفسیر القرآن المجید. (تحقق: سید محمد علی ایازی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۶۷. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. (تحقق: موسی شبیری زنجانی). قم: موسسه نشر الاسلامی، جماعه المدرسین حوزه علمیه
۶۸. نجف، محمد مهدی. (۱۴۰۷ق). الجامع لرواه اصحاب الامام الرضا(ع). مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع)
۶۹. نرم افزار جامع الاحادیث شیعه
۷۰. نرم افزار جامع التفسیر نور
۷۱. نرم افزار مرقوم (مجموعه آثار آیه الله جوادی آملی)

پیش از انتشار (فایوید استنه)